

سیاست خارجی ترکیه  
در قبال تحولات خاورمیانه؛  
غلبه غربگرایی بر اسلامگرایی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه
۵	تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و مواضع ترکیه
۱۱	تحولات خاورمیانه و اهداف کلان ترکیه
۱۶	تحلیل و ارزیابی
۲۱	نتیجه‌گیری
۲۳	پی‌نوشت‌ها



## سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه؛ غلبه غربگرایی بر اسلامگرایی

### چکیده

دولت ترکیه تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا را فرصتی برای تقویت موقعیت خود در این منطقه قلمداد می‌کند. از این رو این کشور سیاست خارجی فعالی را در قبال این تحولات اتخاذ کرده و تلاش دارد تا به یکی از مهمترین بازیگران در ترتیبات سیاسی نوین منطقه تبدیل شود. با این حال همراهی ترکیه با ملاحظات کشورهای غربی در قبال این تحولات علاوه بر اینکه اعتبار سیاست خارجی مستقل آنکارا را زیر سؤال برده است، چشم‌انداز موقعیت ترکیه در خاورمیانه نوین که به سرعت به سمت اسلامگرایی و استقلال از غرب به پیش می‌رود را نیز با ابهام مواجه ساخته است. به ویژه همراهی این کشور با سیاست دولت‌های غربی در قبال تحولات سوریه، ناامیدی از نقش‌آفرینی مثبت ترکیه در راستای منافع جهان اسلام و جبهه مقاومت را به دنبال داشته و خشنودی اسرائیل از تلاش آنکارا برای تضعیف یکی از مهمترین پایه‌ها و اضلاع مقاومت را در پی داشته است.

### مقدمه

بروز انقلاب‌های مردمی در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه از مهمترین تحولات بین‌المللی در چند دهه اخیر به حساب می‌آید. اهمیت این تحولات به حدی است که برخی آن را از حیث توان تأثیرگذاری بر ترتیبات بین‌المللی با تحولات تاریخی چون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یا ریزش دیوار برلین مقایسه کرده و برخی دیگر برای توصیف اهمیت و حساسیت آن از عناوینی چون «سونامی سیاسی»، «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» استفاده کرده‌اند. این انقلاب‌ها در مواردی با سقوط نظام‌های سیاسی حاکم همراه بوده (تونس و مصر) و گاه به بروز جنگ داخلی میان نیروهای حاکم و مخالفان منجر شده است (لیبی).<sup>۱</sup> در برخی موارد نیز هرچند انقلاب‌های منطقه هنوز به سقوط نظام سیاسی حاکم منجر نشده اما حرکت‌های اعتراضی در این کشورها

۱. در زمان نگارش این گزارش، انقلابیون لیبی وارد شهر طرابلس شده و با ناپدید شدن قذافی آخرین مراحل سقوط حکومت او در حال انجام است.

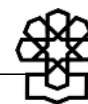
خاموش نشده و تلاش برای تحقق خواسته‌های مردمی کماکان ادامه دارد (بحرین). در مواردی نیز شاهد تدبیر سران برخی از کشورهای منطقه برای پیشگیری از وقوع انقلاب‌های منطقه‌ای در آنها از طریق آغاز اصلاحات سیاسی بوده‌ایم (مراکش).

به‌طور کلی مجموعه تحولات انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نقطه عطفی در تاریخ سیاسی این منطقه محسوب می‌شود. اهمیت این تحولات همچنین حساسیت و پیگیری بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به شرایط جاری و چشم‌انداز آتی این حوزه را در پی داشته است. این حساسیت در بعد حداقلی در سطح بررسی و رصد مجموعه تغییرات و تحولات منطقه و تلاش برای بازتعریف و تطبیق منافع و سیاست‌های خود با تحولات جدید منطقه صورت می‌گیرد و در بعد حداکثری در سطح دخالت در تحولات منطقه و تلاش برای ایفای نقش مؤثر در آن به انجام می‌رسد.

در میان کشورهایایی که به‌دنبال ایفای نقش و اعمال نفوذ بر سیر تحولات منطقه بوده‌اند می‌توان از ترکیه نام برد. این کشور هم به‌واسطه رویکرد نوین خود به منطقه خاورمیانه که در سال‌های اخیر به کانون توجهات و محیط عملیاتی سیاست خارجی آن تبدیل شده است و هم به‌واسطه ظرفیت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری نسبت به این تحولات، از جمله مهمترین بازیگران منطقه به حساب می‌آید. بسیاری از تحلیلگران بر این اعتقادند که ترکیه انقلاب‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه و نیز ناآرامی‌های سیاسی در سوریه را به منزله فرصتی برای پیشبرد راهبرد کلان خود برای تبدیل شدن به بازیگری مهم در معادلات خاورمیانه قلمداد می‌کند. موضعگیری فعال ترکیه در سطوح اعلامی و اعمالی نسبت به انقلاب‌های منطقه از جمله در قبال مصر و لیبی و نیز ورود فعال این کشور به عرصه تحولات سیاسی سوریه از جمله برگزاری نشست مخالفان دولت سوریه در آنتالیا عملاً آنکارا را به یک بازیگر مهم و اثرگذار بر تحولات شتابان اخیر در منطقه تبدیل کرده است. از این رو در بررسی تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌ویژه از حیث تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی بازیگران ثالث، ترکیه یک مورد مطالعاتی مناسب به حساب می‌آید. این گزارش با هدف بررسی مواضع و سیاست‌های ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه و سنجش تأثیر این مواضع بر نقش و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه به انجام می‌رسد.

### جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه

از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی، رویکرد ترکیه به منطقه خاورمیانه دو جهت‌گیری کاملاً متفاوت داشته است. تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به‌جز دوره محدودی از قدرت گرفتن حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان، منطقه خاورمیانه در سیاست



خارجی ترکیه عمدتاً از یک جایگاه فرعی و حاشیه‌ای برخوردار بود و تلاش می‌شد تا روند هویت‌سازی برای ترکیه نوین که اساس آن بر غربی شدن استوار بود با بی‌اعتنایی نسبت به تحولات خاورمیانه تکمیل شود. در واقع با فروپاشی امپراتوری عثمانی، ترکیه در صدد تبدیل به یک جمهوری سکولار غربگرا<sup>۱</sup> برآمد. در جریان بازسازی نظام بین‌الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم، ترکیه بر ضد تهدید شوروی در کنار غرب قرار گرفت. این کشور در سال ۱۹۵۲ به اتحادیه ناتو پیوست و به متحد وابسته غرب در منطقه تبدیل شد. از این رو سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه عمدتاً بر اساس ترجیحات این اتحادیه شکل می‌گرفت. ترکیه خود را به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیکی، بخشی از اروپا می‌دانست و بر همین اساس، به نهادهای مختلف اروپایی در طیف وسیعی از همکاری نظامی تا اتحادیه گمرکی پیوست.<sup>(۱)</sup>

سیاست ترکیه نسبت به خاورمیانه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه<sup>۲</sup> شاهد یک پویایی جدید بوده است.<sup>(۲)</sup> پس از سال‌ها انفعال و غفلت این کشور، ترکیه به‌عنوان یک بازیگر دیپلماتیک مهم در منطقه ظاهر شد. بر این اساس آنکارا رهیافت فعالانه‌تری را نسبت به مناقشه فلسطین و اسرائیل اتخاذ کرده است. برای شرکت در مأموریت ناتو اقدام به اعزام نیرو به افغانستان کرد، در نیروهای سازمان ملل در لبنان مشارکت کرد، در سازمان کنفرانس اسلامی فعال‌تر شده، در کنفرانس‌های مختلف اتحادیه عرب حضور به هم رسانده و روابط نزدیکتری را با ایران، عراق و سوریه برقرار کرده و روابط اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک با دولت‌های عربی و مسلمان را بهبود بخشید.<sup>(۳)</sup>

بخش عمده‌ای از بازتعریف سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه متأثر از نظریات و تجویزات «احمد داود اوغلو» وزیر امور خارجه کنونی ترکیه است. در مباحث نظری مربوط به سیاست خارجی دولت اردوغان عمدتاً به مباحثی که از سوی وی مطرح شده است استناد می‌شود. داود اوغلو استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های ترکیه و مالزی در کتابی با عنوان «عمق استراتژیک»<sup>۳</sup> به مباحثی اشاره می‌کند که از نظر کارشناسان، مبنای سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه است. وی استدلال می‌کند که سیاست خارجی ترکیه در سال‌های گذشته غیرمتوازن بوده و تأکید زیادی بر روابط با اروپای غربی و ایالات متحده داشته، به نحوی که به غفلت از منافع ترکیه در دیگر کشورها به‌ویژه در خاورمیانه منجر شده است. به اعتقاد برخی کارشناسان دیدگاه‌های داود اوغلو خصوصیات آشنای «نوعثمان‌گرایی» ترکیه را به نمایش می‌گذارد. بر اساس این نگرش، ترکیه به احیای میراث امپراتوری خود و جستجوی یک اجماع ملی جدید که به موجب آن هویت‌های

---

1. Pro – Western Secular Republic  
2. Justice and Development Party  
3. Strategic Depth

مختلف این کشور بتوانند با یکدیگر همزیستی داشته باشند نیاز دارد.<sup>(۴)</sup> به اعتقاد داود اوغلو، جمهوری ترکیه پس از تأسیس در سال ۱۹۲۳ برخلاف دیگر قدرت‌های امپراتوری از روابط با دولت‌هایی که استان‌های امپراتوری سابق عثمانی را در شمال آفریقا و خاورمیانه تشکیل می‌دادند چشم‌پوشی کرده است و ترکیه امروز نیازمند آن است که نقش بیشتری را در این مناطق ایفا کند.<sup>(۵)</sup>

به‌طور کلی، فعال شدن سیاست خارجی ترکیه در مناطقی چون خاورمیانه را می‌توان ناشی از نفوذ چنین تفکراتی در هیئت حاکمه ترکیه دانست.

نکته محوری رویکرد دولتمردان کنونی ترکیه نسبت به مسائل سیاست خارجی، ضرورت متوازن‌سازی جهت‌گیری فرامرزی این کشور است که اعتبار سیاست خارجی چندوجهی نزد آنها را افزایش می‌دهد.

آنها البته مخالفتی با بهبود روابط با غرب ندارند اما معتقدند که به‌طور همزمان باید نسبت به توسعه روابط با دیگر مناطق از جمله خاورمیانه نیز اقدام کرد تا از این طریق منافع ترکیه در نظام بین‌الملل به‌طور همه‌جانبه تأمین شود.

از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در اواخر سال ۲۰۰۲، آنکارا یک استراتژی آگاهانه را در زمینه برقراری مجدد پیوندهای ترکیه با حوزه‌های جنوبی و شرقی عثمانی سابق دنبال کرده است. حزب حاکم عدالت و توسعه، سیاست خارجی را تدوین و اجرا کرده است که در کنار تلاش برای تحقق عضویت در اتحادیه اروپا به‌طور همزمان به دنبال بهبود روابط با قاهره، دمشق، بغداد، ریاض و تهران بوده است. تلاش ترکیه برای نزدیک‌تر شدن به خاورمیانه بازتابی از این باور در درون حزب حاکم است که سیاست خارجی ترکیه نیاز به عادی‌سازی دارد. اگرچه در دوره جنگ سرد سمت‌گیری نسبتاً انحصاری ترکیه نسبت به اروپا و آمریکا ممکن است مناسب بوده باشد اما اکنون منافع ترکیه پیگیری یک سیاست خارجی چندوجهی را مطالبه می‌کند.<sup>(۶)</sup>

بدین ترتیب رهبران حزب عدالت و توسعه در طراحی سیاست خارجی ترکیه به دنبال تقویت نقش و نفوذ این کشور در حوزه‌های مختلف جهان اسلام به‌ویژه خاورمیانه هستند. منتقدان، عمدتاً این گرایش را در چارچوب تمایلات اسلام‌گرایان برای احیای امپراتوری اسلامی ترکیه تفسیر می‌کنند، اما مقامات حزب حاکم با رد این ادعا معتقدند که گسترش نفوذ ترکیه در این مناطق و بهبود روابط با کشورهای اسلامی از حیث انطباق آن با منافع ملی ترکیه پیگیری می‌شود و الزاماً در چارچوب گرایش «پان‌اسلامیستی» قابل تفسیر نیست.

علاوه بر ایده توسعه «عمق استراتژیک» و نیز «متوازن‌سازی» سیاست خارجی که از محرکه‌های



مؤثر در فعال شدن ترکیه در منطقه خاورمیانه بوده است همچنین ایده مهم دیگری که از سوی حزب عدالت و توسعه برای بهبود سطح روابط این کشور با همسایگانش مطرح شد نیز در تقویت نقش آفرینی آنکارا در این منطقه بسیار تأثیرگذار بوده است. از آنجایی که ترکیه همسایگان مهمی در منطقه خاورمیانه دارد به طور طبیعی تلاش برای بهبود روابط با آنها مستلزم تقویت رویکرد خاورمیانه‌محور در سیاست خارجی این کشور می‌باشد. دکترین «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان»<sup>۱</sup> به‌عنوان یک نظریه دیگر از سوی احمد داود اوغلو مطرح شد. مطابق با این دکترین، هدف ترکیه حفظ بهترین روابط ممکن با تمام همسایگان و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است.<sup>(۷)</sup>

از این رو تلاش برای توسعه روابط با کشورهای چینی، ایران، عراق و سوریه به‌طور اجتناب‌ناپذیری درگیری بیشتر آنکارا در مسائل خاورمیانه را به دنبال داشته است. احمد داود اوغلو براساس دکترین «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» بهبود بیش از پیش روابط با همسایگان خاورمیانه‌ای ترکیه را در دستور کار قرار داد. مجموعه این نظریات زمینه افزایش اهمیت منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه را طی یک دهه اخیر فراهم ساخته است. مقامات حزب عدالت و توسعه معتقدند که ترکیه ارزش‌های مشترک با مردم خاورمیانه و شمال آفریقا دارد. این کشور از ارزش‌های فرهنگی مشترکی با جوامع این منطقه برخوردار است. تاریخ ترکیه و این مناطق نقاط مشترک و نیز شباهت‌ها و همسانی‌های زیادی دارد.<sup>(۸)</sup> براساس همین تفکرات بود که برخلاف دوران حاکمیت لائیک‌ها در ترکیه، منطقه خاورمیانه از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه اهمیتی راهبردی در سیاست خارجی این کشور پیدا کرد.

### تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و مواضع ترکیه

با توجه به فعال شدن سیاست خارجی ترکیه نسبت به منطقه خاورمیانه در یک دهه گذشته و ابتکارات و اقدامات خاص دولت اردوغان در این منطقه، قابل پیش‌بینی بود که با اوج‌گیری تحولات سیاسی در این منطقه از جمله شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی در تونس، مصر، لیبی و نیز تحولات سیاسی و ناآرامی‌ها در سوریه، دولت اردوغان مواضع فعالی را نسبت به این تحولات اتخاذ کند. بر همین اساس با اوج‌گیری تحولات در منطقه شاهد واکنش دولتمردان ترکیه بودیم.

## ۱. ترکیه و انقلاب‌های مردمی در تونس، مصر و لیبی

### ۱-۱. تونس

تونس اولین کشور حوزه شمال آفریقا و خاورمیانه بود که انقلاب مردمی در آن اتفاق افتاد. تحولات این کشور سرآغازی برای به راه افتادن موج انقلاب‌های مردمی در سایر کشورهای منطقه بود. در واقع انقلاب تونس الهام‌بخش مردم سایر کشورهای منطقه برای طرح و پیگیری مطالبات خود جهت تغییر نظام‌های اقتدارگرا بود.

دولت ترکیه در جریان وقوع انقلاب مردمی در تونس موضعگیری سریعی در قبال آن نداشت. با این حال پس از سقوط رژیم بن‌علی و فرار وی به عربستان بود که ترک‌ها سیاست خود در قبال تونس را فعال کردند.

در مورد اینکه چرا دولت ترکیه در دوره شکل‌گیری انقلاب مردمی در تونس و سقوط رژیم بن‌علی مواضع صریحی در قبال تحولات این کشور نداشت می‌توان به عوامل مختلفی اشاره کرد. مهمترین علت، سرعت تحولات در تونس بود. در واقع فاصله زمانی شکل‌گیری انقلاب تا سقوط رژیم سیاسی در تونس آنچنان کوتاه بود که بسیاری از کشورها از جمله ترکیه را در یک وضعیت غافلگیری و تردید قرار می‌داد. در واقع سرعت تحولات به اندازه‌ای بود که دوایر سیاستگذاری در ترکیه از فرصت کافی برای ارزیابی شرایط در تونس و ترسیم چشم‌انداز تحولات آتی در این کشور و نیز اتخاذ موضع متناسب با این تحولات برخوردار نبودند.

از سوی دیگر اهمیت انقلاب تونس نه در زمان وقوع بلکه ماه‌ها پس از آن معلوم شد و این زمانی بود که سایر ملت‌های منطقه با الهام از انقلاب تونس به خیابان‌ها آمده و بر ضد رژیم‌های دیکتاتوری خود انقلاب کردند. از این رو موضعگیری نسبت به تحولات تونس از سوی بسیاری از کشورها همچون ترکیه در مقایسه با انقلاب‌های بعدی کمتر و کمرنگ‌تر بود.

با این حال، سیاست خارجی ترکیه در قبال تونس به‌طور نسبی پس از سقوط رژیم بن‌علی فعال شد. تأکید بر نسبی بودن در اینجا به این دلیل است که این دوره با پیدایش و گسترش انقلاب‌ها در سایر کشورهای منطقه مصادف است و از این رو دولتمردان ترکیه بیش از کشوری چون تونس درگیر تحولات در کشورهایی چون مصر و لیبی بودند. البته همزمان با پیگیری تحولات در دیگر کشورها، مسائل تونس نیز تا اندازه‌ای مورد توجه و تمرکز مقامات ترکیه قرار داشت. از جمله می‌توان به سفر مهم احمد داود اوغلو وزیر امور خارجه این کشور به تونس اشاره کرد. وی در این دیدار انقلاب تونس را مدلی برای سایر کشورها جهت پیگیری اصلاحات خواند و نسبت به انتقال آرام و مسالمت‌آمیز قدرت در این کشور ابراز امیدواری کرد. داود اوغلو در دیدار با مقامات تونسی



تأکید کرد که دولت موقت تونس نیازمند انجام تغییرات در قانون اساسی و تشکیل نهادهای مورد نیاز برای اطمینان از حاکمیت قانون است. وی با تأکید بر ضرورت تشکیل احزاب در تونس و یادآوری این موضوع که ترکیه از سال ۱۹۴۶ به سمت یک نظام چندحزبی<sup>۱</sup> حرکت کرده است، خواستار تکرار تجربه ترکیه در تونس شد و از مقامات دولت موقت این کشور خواست که نسبت به رفع تردیدها در مورد سلامت انتخابات آتی در تونس اهتمام ورزند.<sup>(۹)</sup>

وزیر خارجه ترکیه که به‌عنوان رئیس شورای اروپا نیز در تونس حضور یافته بود همچنین اعلام کرد که ترکیه در دوره ریاستش بر شورای اروپا تمام منابع را به نفع تونس بسیج و سه مرحله مشخص را برای این کشور تعیین کرده است:

۱. هماهنگی‌های پیش از انتخابات باید انجام شود و انتخابات باید بازتاب اراده مردم تونس باشد.  
۲. نهادهای قوی که از حقوق بشر و دموکراسی حفاظت کنند باید فوراً پس از برگزاری انتخابات تأسیس شوند.

۳. نهادینه شدن این ساختارها به‌عنوان گام سوم، باید به انجام برسد.<sup>(۱۰)</sup>  
داود اوغلو در جریان این سفر در مورد روابط دوجانبه دو کشور نیز گفت که ترکیه خود را متعهد به تقویت همکاری با تونس به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون توریسم و حوزه‌های اقتصادی می‌داند.<sup>(۱۱)</sup>  
ترکیه در کنار اقدامات سطح بالایی چون اعزام وزیر امور خارجه خود به تونس ابتکارات دیگری را نیز برای اثرگذاری بر تحولات تونس به انجام رساند. از جمله اینکه وزارت امور خارجه این کشور با همکاری یک مؤسسه مطالعاتی از شخصیت‌های برجسته انقلابی تونس دعوت کرد تا با سفر به این کشور با تجارب دموکراتیک ترکیه آشنا شوند. در این راستا ترکیه از جوانان انقلابی، نمایندگان رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی تونس دعوت کرد تا بین روزهای سوم تا هشتم ژوئیه از ترکیه دیدار کنند. هدف از دعوت از این هیئت کسب آگاهی از تجربه انتخابات دموکراتیک ترکیه، در سلسله دیدارها با مقامات و نهادهای جامعه مدنی ترکیه عنوان گردید.

موضوع احتمال تأثیرگذاری ترکیه بر انقلاب تونس آنگاه بیشتر مطرح شد که راشد الغنوشی رهبر تبعیدی اسلامگرایان تونس پس از بازگشت به کشورش اعلام کرد که خود را به لحاظ فکری نزدیک به حزب عدالت و توسعه ترکیه می‌داند.<sup>(۱۲)</sup>

## ۲-۱. مصر

تکرار سناریوی تونس در مصر و به خیابان آمدن مردم این کشور برای مخالفت با رژیم حسنی مبارک نشان داد که دامنه تغییرات سیاسی در منطقه محدود به تونس نیست و سایر رژیم‌های

اقتدارگرا در خاورمیانه و شمال آفریقا در معرض انقلاب‌های مردمی قرار دارند. این مسئله حساسیت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به تحولات سیاسی این حوزه را بیشتر کرد. بر همین اساس دولت ترکیه نیز به‌طور فعال‌تری نسبت به تحولات مصر موضعگیری کرد.

رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در واکنش به تحولات مصر و حضور مردم در میدان تحریر قاهره به‌طور شدیدالحنی از حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر خواست که قدرت را کنار بگذارد. این موضعگیری محبوبیت اردوغان در میان معترضان مصری را به دنبال داشت و در نوع خود اولین موضعگیری ترکیه و نشانه‌ای از آن بود که آنکارا تمایل دارد تا در کنار مردم خاورمیانه که در پی ساقط کردن رژیم‌های خود بودند قرار گیرد.<sup>(۱۳)</sup> به اعتقاد کارشناسان اظهارات صریح اردوغان در مورد انقلاب مصر مؤید تمایل ترکیه برای نقش‌آفرینی فعال‌تر در تحولات منطقه بود.

اردوغان در موضعگیری خود نسبت به تحولات مصر هم دولتمردان و هم مردم این کشور را مخاطب قرار داد. وی به مقامات مصری یادآور شد که «هیچ حکومتی نمی‌تواند نسبت به مطالبات دمکراتیک مردم خود غافل باشد. هیچ حکومتی نتوانسته از طریق سرکوب دوام بیاورد. حکومت‌هایی که چشم خود را بر روی مردم‌شان می‌بندند نمی‌توانند برای مدت طولانی دوام بیاورند».<sup>(۱۴)</sup>

اردوغان پس از آنکه خواستار کنار رفتن مبارک از قدرت شد از مردم مصر نیز خواست که بدون توسل به خشونت به مبارزاتشان ادامه دهند. وی مبارزه برای آزادی را بیشترین حق دمکراتیک آنها خواند.<sup>(۱۵)</sup>

اظهارات صریح اردوغان در کنار اقدامات دیگری نظیر دعوت از انقلابیون و نخبگان مصری برای بازدید از ترکیه و تبادل نظر با یکدیگر تمایل آنکارا برای تأثیرگذاری بر تحولات مصر را بیشتر به نمایش گذاشت.

### ۳-۱. لیبی

با آغاز انقلاب مردمی در لیبی، برای ترکیه آسان نبود تا رژیم معمر قذافی را محکوم کند. لیبی یکی از شرکای اقتصادی مهم ترکیه است و تجار ترکیه در دهه‌های گذشته میلیاردها دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به همین دلیل زمانی که شورش‌های ضدحکومتی در بنغازی در فوریه گذشته آغاز شد، حدود ۲۵ هزار نفر از اتباع ترکیه در لیبی زندگی می‌کردند. حزب حاکم عدالت و توسعه با آغاز بحران در لیبی توجه خود را ابتدا به خارج کردن اتباع خود از لیبی معطوف و از موضعگیری بر ضد قذافی خودداری کرد. برخی دیپلمات‌های ترکیه استدلال می‌کردند که هرگونه محکومیت رژیم قذافی می‌توانست جان شهروندان ترکیه در لیبی را به خطر بیندازد. با این وجود حتی پس از آنکه بیشتر



شهروندان ترک از لیبی خارج شدند، آنکارا تمایل چندانی به محکوم کردن اقدامات قذافی نداشت. احمد داود اوغلو این سکوت را این‌گونه توجیه کرد که ترکیه می‌خواهد امکان صحبت با هر دو طرف مناقشه در لیبی را برای خود حفظ کند تا بتواند به یک راه‌حل مورد توافق طرفین برای حل بحران دست یابد. با این حال بسیاری از تحلیلگران، سکوت ترکیه را نه به دلیل ملاحظاتی که داود اوغلو مطرح می‌کرد بلکه به دلیل حفظ منافع اقتصادی قابل توجه این کشور در لیبی می‌دانستند.

زمانی که آنکارا نسبت به حمایت از عملیات ناتو بر ضد رژیم قذافی از خود بی‌تفاوتی نشان داد بسیاری به انتقاد از حزب عدالت و توسعه به دلیل دور شدن از ارزش‌های مورد تأکید خود پرداختند.<sup>(۱۶)</sup> اقدامات خشونت‌بار رژیم قذافی علیه مخالفان بیش از پیش حجم انتقادات از موضع دولت اردوغان را افزایش داد. بسیاری سیاست‌های آنکارا در قبال رژیم قذافی را نشانه و گواه این واقعیت می‌دانستند که ترکیه هیچ موضع اصولی در قبال دمکراتیزه شدن خاورمیانه ندارد.<sup>(۱۷)</sup> این مسئله محاسبات حزب عدالت و توسعه در مورد لیبی را تغییر داد. مقامات ترکیه انتقاد از عملکرد رژیم قذافی را آغاز کردند. رجب طیب اردوغان که به تدریج از موضع انتقاد از عملیات ناتو در لیبی به سمت حمایت از این عملیات روی آورده بود سرانجام از قذافی خواست که از قدرت کناره‌گیری کند. ترکیه در عین حال از مصطفی عبدالجلیل رئیس گروه مخالفان لیبی در آنکارا استقبال کرد. عبدالجلیل در جریان دیدارش از ترکیه خاطرنشان کرد که حمایت ترکیه از مخالفان ثابت می‌کند که عملیات نظامی ناتو برخلاف آنچه معمر قذافی در لیبی ادعا کرده است یک جنگ صلیبی نیست.<sup>(۱۸)</sup> زمانی که داود اوغلو در اوایل جولای از بنغازی دیدار کرد از سوی جمعیت زیادی از مخالفان قذافی که شعار تشکر از ترکیه را می‌دادند مورد استقبال قرار گرفت. وی در جریان این دیدار اعلام کرد که اپوزیسیون لیبی می‌تواند هر زمان که بخواهد در پایتخت ترکیه دفتر دایر نماید.<sup>(۱۹)</sup> نکته دیگر در مورد موضع ترکیه نسبت به بحران لیبی مربوط به ارائه یک «نقشه راه» از سوی این کشور برای حل بحران لیبی است. این نقشه راه ترکیه که در ماه می اعلام شد شامل اصولی در مورد توافق در لیبی بعد از دوران قذافی از جمله برقراری یک آتش‌بس فوری، دسترسی کامل به کمک‌های بشردوستانه و خروج ارتش لیبی از شهرها بود.<sup>(۲۰)</sup>

## ۲. ترکیه و ناآرامی‌های سوریه

ترکیه برای سال‌های متمادی روابط شکننده و غیرقابل اطمینانی با سوریه داشته است. در عین حال این کشور با روی کار آمدن دولت حزب عدالت و توسعه، روابط خود را با سوریه بهبود بخشید. به‌طور همزمان دولت بشار اسد نیز تلاش کرد تا اختلافات گذشته خود را با دولت رجب طیب اردوغان حل و رابطه قابل اعتمادی با ترکیه برقرار کند. لازم به‌ذکر است که سوریه و ترکیه در

گذشته یک سلسله اختلافات بر مسائلی از قبیل فعالیت‌های کردهای عضو سازمان «پ.ک.ک»، چگونگی تقسیم آب رودخانه فرات و وضع استان مرکزی اسکندرون داشتند. استان اسکندرون سوریه در سال ۱۹۳۹ توسط استعمارگران فرانسوی از این کشور جدا شد و در اختیار دولت وقت ترکیه قرار گرفت اما سوریه همچنان این استان را بخشی از خاک خود می‌داند. پس از روی کار آمدن دولت بشار اسد در سال ۲۰۰۰ میلادی، روابط سیاسی دو کشور رو به بهبودی نهاد اما با شروع ناآرامی‌های سیاسی در سوریه دولت رجب طیب اردوغان موضعی غیرشفاف در برابر همسایه خود اتخاذ کرد که به کلیت روابط دو کشور ضربه زد. موضع دولت ترکیه در قبال سوریه نوعی دخالت در مسائل داخلی این کشور تلقی شد، به همین دلیل در جریان سفر «حسین الترمکمانی» مشاور عالی رئیس‌جمهوری این کشور به آنکارا مراتب اعتراض سوریه نسبت به موضعگیری‌های دوگانه دولت ترکیه به مقامات این کشور ابلاغ شد.

به‌طور کلی، دولت ترکیه در قبال ناآرامی‌های سیاسی در سوریه به لحاظ مواضع اعلامی به انتقاد صریح از دولت بشار اسد در برخورد با مخالفان داخلی روی آورد و خواستار پایان دادن به برخوردها با معترضان شد. به‌عنوان مثال داود اوغلو در پنج آگوست در ارتباط با تحولات سوریه اعلام کرد که دمشق باید به مشاوره‌هایی که از سوی آنکارا و دیگر اعضای جامعه بین‌الملل داده می‌شود اعتنا کرده و خشونت بر ضد مردم خود را متوقف کند. وی اعلام کرد که روش پاسخ به اعتراضات در سوریه و زمان آن اشتباه است.

می‌توان گفت واکنش ترکیه بر ضد سوریه شدید و همراه با بیانه‌های شدیدالحن بوده به‌گونه‌ای که عملیات نیروهای سوریه بر ضد مخالفان از سوی آنکارا «بیرحمانه» خوانده شده است.<sup>(۳۱)</sup> به لحاظ مواضع اعمالی، مهمترین اقدام دولت ترکیه میزبانی سه نشست گروه‌های مخالف دولت بشار اسد بوده است. این اقدام، نشانه آشکاری از سیاست‌های غیردوستانه دولت ترکیه نسبت به همسایه خود بود. اقدام دیگر ترکیه در قبال بحران سوریه پذیرش هزاران تن از آوارگان سوری بود که به مرز دو کشور پناه آورده بودند. ترکیه اقدام به اسکان این آوارگان در اردوگاه‌های مستقر در بخش ترکیه‌ای مرز دو کشور کرد.

البته باید خاطر نشان کرد که دولت ترکیه در عین اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به دولت سوریه، تماس‌ها با این دولت را کماکان در دستور کار قرار داد. اردوغان و بشار اسد روزانه با یکدیگر در تماس تلفنی بوده و احمد داود اوغلو نیز با ولیدالمعلم همتای سوری خود ارتباط تلفنی داشته‌اند. هاگان فیدان رئیس سازمان اطلاعات ملی ترکیه نیز برای تبادیل نظر با مقامات سوری به دمشق سفر کرد.<sup>(۳۲)</sup> همچنین در روز ششم آگوست رجب طیب اردوغان اعلام کرد که وزیر خارجه ترکیه



را برای دادن پیامی قاطع به بشار اسد به سوریه خواهد فرستاد. چند روز پس از آن احمد داود اوغلو به دمشق رفت و سه نشست مختلف با بشار اسد برگزار کرد. وی در این دیدار خواستار قطع سریع برخورد دولت با معترضان شد و در عین حال از تداوم مذاکرات با دولت سوریه خبر داد.

### تحولات خاورمیانه و اهداف کلان ترکیه

برخورد فعال دولت ترکیه با تحولات انقلابی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز نحوه موضعگیری و عملکرد این کشور در قبال حوادث سوریه براساس مجموعه‌ای از ملاحظات کلان صورت می‌گیرد که شماری از آنها از ابتدای روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در زمره ترجیحات اساسی ترکیه در حوزه سیاست خارجی محسوب می‌شدند. به نظر می‌رسد که دولت اردوغان مجموعه تحولات این منطقه را فرصتی برای تحقق یا پیشبرد برخی اهداف راهبردی خود در نظام بین‌الملل قلمداد می‌کند. تلقی فرصت‌آمیز بودن این تحولات موجبات تبدیل شدن ترکیه به یکی از بازیگران مهم و اثرگذار بر فرایندهای مرتبط با خیزش‌های مردمی منطقه را فراهم ساخته است. به‌طور کلی ملاحظات کلان ترکیه در ورود فعال به تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

#### ۱. تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای

از ابتدای روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به‌ویژه در سال‌های اخیر، دولت ترکیه تلاش‌های گسترده‌ای را در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی برای تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در حوزه خاورمیانه سازمان داده است. این تلاش‌ها در چارچوب اجرای راهبرد متوازن ساختن سیاست خارجی که بر تخصیص ظرفیت‌های مورد نیاز جهت تقویت نقش و نفوذ آنکارا در معادلات و ترتیبات خاورمیانه همزمان با تداوم و توسعه روابط با غرب دلالت داشت پیگیری می‌شد. در این راستا دولتمردان ترک تلاش کردند تا از تحولات سیاسی و انقلاب‌های خاورمیانه به‌عنوان فرصتی برای نقش‌آفرینی بیشتر در تحولات منطقه بهره‌برداری نمایند. اتخاذ مواضع صریح در قبال برخی انقلاب‌های منطقه به‌ویژه انقلاب مصر، تلاش برای میانجیگری میان مخالفان و مقامات حکومتی در برخی کشورهایی که شاهد خیزش مردمی بودند، دعوت از نخبگان و انقلابیون مصر و تونس برای سفر به ترکیه، برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی در خاک ترکیه از جمله تمهیدات آنکارا برای نقش‌آفرینی در مسائل منطقه بود.

درخصوص میانجیگری باید خاطرنشان کرد که استفاده از این روش از سازوکارهای مهم

دولت اردوغان برای ارتقای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه بوده است. ترکیه تلاش داشته است تا به‌عنوان میانجی برای حل اختلافات و مناقشات موجود در منطقه توان استراتژیک خود را بالا ببرد که میانجیگری میان رژیم صهیونیستی و سوریه، پرونده هسته‌ای ایران، بحران سیاسی لبنان از مهمترین مصادیق آن به‌شمار می‌رود. در جریان تحولات اخیر نیز ترکیه بار دیگر در صدد بهره‌مندی از ابزار میانجیگری به‌ویژه در تحولات دو کشور لیبی و بحرین برآمد. در مراحل اولیه بحران لیبی، ترکیه کوشید با عدم مشارکت در عملیات نظامی ناتو از یک‌سو و پیوندهای گسترده سیاسی و اقتصادی با رژیم معمر قذافی از سوی دیگر، از این ابزار بهره جوید، بدین منظور «نقشه راهی» از سوی ترکیه برای حل و فصل بحران لیبی پیشنهاد شد که در آن بر مواردی مانند آتش‌بس فوری، پایان محاصره شهرها، عقب‌نشینی نیروهای قذافی، ارسال کمک‌های انسانی به لیبی، ایجاد مناطق امن انسانی در این کشور و همین‌طور تلاش برای پدید آوردن روند دمکراتیک به‌منظور تصمیم‌گیری مردم در ارتباط با سرنوشت آن تأکید شده بود. هرچند با تداوم بحران لیبی این طرح به سرانجام نرسید اما نگاه فرصت‌طلبانه ترکیه برای ایفای نقش در بحران لیبی با استفاده از ابزار میانجیگری را به منصفه ظهور گذاشت.

در جریان تحولات بحرین نیز رهبران ترکیه در صدد برآمدند تا با توجه به پیوندهای خود با پادشاهی بحرین، روابط نزدیک با ایران و نیز کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و جهان غرب، نقش میانجیگریانه‌ای را برای کاستن از سوءتفاهم‌ها و اختلافات پدید آمده ایفا نمایند. در این راستا ترکیه مایل بود به محلی برای انجام رایزنی‌های مختلف دیپلماتیک میان طرفین درگیر در این بحران شود و به‌عنوان پل ارتباطی نقش میانجیگریانه خود را به نمایش بگذارد.

به‌طور کلی ترکیه در صدد برآمد تا با بهره‌گیری از این ابزار و سایر اهرم‌ها نقش مهمی را در افزایش قدرت مانور سیاسی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور ایفا کند. تدارک رفت و آمدهای دیپلماتیک نظیر حضور وزیر امور خارجه ترکیه در تونس پس از سقوط رژیم بن‌علی نیز از دیگر ابزارهای آنکارا برای تقویت موقعیت خود در معادلات نوین منطقه بوده است.

از سوی دیگر موقعیت ترکیه به‌عنوان یک کشور مسلمان و در عین حال یکی از اعضای ناتو زمینه مناسبی را برای بهره‌گیری آنکارا از تحولات جدید منطقه در راستای تقویت موقعیت خویش فراهم کرده است. برخورداری از این موقعیت سبب شده است که به برخی کارشناسان نظیر «جوشا والکر» از مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه برن دیس ترکیه بر این اعتقاد باشند که در پرتو تحولات نوین خاورمیانه آنکارا هم‌اکنون خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم و نقطه اتکا برای بازیگران منطقه معرفی کرده است.<sup>(۳۳)</sup> به‌ویژه با توجه به تضعیف موقعیت مصر و عربستان به‌عنوان دو



بازیگر مهم در منطقه (به واسطه تحولات داخلی و بی‌ثباتی سیاسی) اکنون ترکیه فضای بیشتری را برای توسعه نفوذ منطقه‌ای پیش روی خود می‌بیند.

## ۲. به دست گرفتن رهبری اصلاحات سیاسی در منطقه

دولتمردان ترک در راستای افزایش نفوذ منطقه‌ای کشورشان تلاش دارند تا خود را حامی جدی آغاز اصلاحات اساسی در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان دهند و حتی رهبری اصلاحات سیاسی در منطقه را برعهده گیرند. به‌ویژه با توجه به اینکه حرکت‌های انقلابی و اعتراضی در منطقه فاقد رهبری مشخص و کاملاً خودجوش و مردمی بوده، تمایل برای راهبری و هدایت این انقلاب‌ها از سوی مقامات ترکیه افزایش پیدا کرده است. در این میان برخی کارشناسان بر این اعتقادند که ترکیه در پیگیری این اهداف از انگیزه‌های رقابت با ایران نیز برخوردار است چه اینکه جمهوری اسلامی ایران هم به‌واسطه تجربه مهمترین انقلاب منطقه در سه دهه قبل و هم دفاع همه‌جانبه از انقلاب‌های مردمی از موقعیت ممتازی برای تأثیرگذاری بر تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا برخوردار است به‌گونه‌ای که برخی محافل غربی و اسرائیلی از ابتدای شروع انقلاب‌های مردمی در منطقه نسبت به تأثیرپذیری انقلاب‌ها از گفتمان و رویکرد جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی می‌کردند.

در یک چنین فضایی ترکیه به‌منظور تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای خود مایل به رهبری پروسه اصلاحات سیاسی در منطقه است. در کشورهایی که چشم‌انداز بقای حکام کاملاً تیره و پیروزی انقلاب‌ها قطعی بوده (نظیر تونس و مصر)، ترکیه با موضعگیری صریح بر ضد حکام این کشورها خواستار کناره‌گیری آنها از قدرت بوده اما در کشورهایی که سرنوشت انقلاب‌ها در آنها نامعلوم بوده ترکیه بیشتر مایل به تماس با طرفین منازعه در آن کشور و به‌ویژه درخواست از رژیم‌های حاکم برای انجام اصلاحات اساسی از طریق برقراری تماس‌های دیپلماتیک بوده است.

## ۳. ارائه الگوی حکومتی به کشورهای انقلابی

با سرنگونی برخی رژیم‌های اقتدارگرای خاورمیانه و شمال آفریقا و آینده نامطمئن برخی دیگر از حکام منطقه پرسش‌های بنیادینی درخصوص شکل و ماهیت نظام سیاسی مطلوب این کشورها پدید آمده است. درواقع با بروز خلأ قدرت ناشی از سقوط رژیم‌های اقتدارگرا موضوع ماهیت و ساختار نظام‌های سیاسی جانشین این رژیم‌ها به موضوع مهمی در منطقه تبدیل شده است. در چنین شرایطی دولت ترکیه تلاش دارد تا الگوی حکومتی خود را به‌عنوان الگوی مناسب به کشورهای منطقه معرفی نماید. مقامات ترکیه مدعی تجربه موفق کشورشان در تلفیق مناسب و کارآمد اسلام

و دموکراسی هستند. به‌ویژه پس از اظهارنظرهایی که از سوی برخی نیروهای انقلابی منطقه مبنی بر مطلوبیت مدل سیاسی ترکیه مطرح شد، تمایل برای تسری این الگو از سوی ترک‌ها نیز افزایش پیدا کرد. به‌عنوان مثال راشد الغنوشی، رهبر حزب نهضت مهمترین حزب اسلامی در تونس، این حزب را ادامه‌دهنده راه حزب عدالت و توسعه ترکیه معرفی کرد و با مشابه دانستن شرایط دو کشور اعلام کرده بود که ترکیه در قرن نوزدهم در راستای هماهنگی اسلام و مدرنیسم یک دوره اصلاحات را پشت سر گذاشته و تونس نیز در همان دوران روند مشابهی را طی کرده است. در مورد مصر نیز روزنامه زمان چاپ استانبول از قول «جمال ناصر» از سخنگویان اخوان المسلمین مصر نوشته بود که «اخوان المسلمین مصر خواهان تأسیس حکومت اسلامی نیست بلکه می‌خواهد یک نظام دموکراتیک در مصر حاکم شود. ترکیه مدل حکومتی اخوان المسلمین است».

این اظهارات سبب شد که مقامات ترکیه تحولات اخیر در منطقه را فرصتی برای تقویت قدرت نرم خود در نظام بین‌الملل از طریق تسری الگوی حکومتی خویش به کشورهای انقلابی بدانند. بر همین اساس «احمد داود اوغلو» وزیر امور خارجه ترکیه در جریان نشست با سفرای کشورهای غربی و عربی ترکیه را یک «منبع الهام»<sup>۱</sup> برای منطقه دانست.<sup>(۲۴)</sup>

مقامات ترکیه نظام سیاسی خود را مدلی میان دو جریان افراطی که خاورمیانه جدید را در نوردیده است معرفی می‌کنند: اقتدارگرایی سکیولار<sup>۲</sup> و افراطگرایی اسلامی.<sup>۳</sup> برخی همچون «مصطفی آیکول» نویسنده ترکیه‌ای مدعی هستند که با فروپاشی رژیم‌های اقتدارگرای سکیولار در خاورمیانه، نظام نوین ترکیه که حاوی هر دو دسته از عناصر دموکراسی سکیولار و ارزش‌های اسلامی است مدل جذابی را به کشورهای منطقه ارائه می‌دهد. وی در تأیید ادعای جذابیت این مدل، به موضعگیری برخی احزاب اسلامی مهم در تونس و مصر در تمجید از نظام سیاسی ترکیه اشاره می‌کند.<sup>(۲۵)</sup>

حامیان تسری الگوی ترکیه به کشورهای منطقه معتقدند که جنبه‌های اسلامی حکومت ترکیه که از آن به‌عنوان اسلام میانه‌رو یاد می‌کنند از یک طرف و نیز تأکید ویژه بر توسعه و پیشرفت اقتصادی زمینه بالایی برای پذیرش این نوع حکومت در کشورهای منطقه ایجاد می‌کند. در عین حال آنها تأکید می‌کنند که ترکیه طی سال‌های اخیر در یک روند کاملاً دموکراتیک حرکت و ترکیبی از آشتی موفقیت‌آمیز اسلام با دموکراسی، حکومت قانون<sup>۴</sup> و توسعه اقتصادی را به نمایش گذاشته است.<sup>(۲۶)</sup> ترکیه امیدوار است تا با ارائه الگوی نظام حکومتی خویش به کشورهای منطقه زمینه مساعدتری را برای بسط نفوذ خود در منطقه خاورمیانه فراهم سازد.

---

1. Source of Inspiration  
2. Secular Authoritarianism  
3. Islamist Extermisim  
4. Rule of Law



#### ۴. افزایش اعتبار استراتژیک و ژئوپلیتیک ترکیه نزد غرب و تسهیل روند عضویت در

##### اتحادیه اروپا

یکی از اهداف اصلی دولتمردان ترکیه در ورود فعال به تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا نمایش اهمیت و نقش محوری آنکارا در تأثیرگذاری بر روندها و فرایندهای سیاسی این منطقه است. ترکیه قصد دارد تا از طریق معرفی خود به عنوان یکی از بازیگران مهم و اثرگذار در این حوزه بر قصد و تصمیم اتحادیه اروپا در خصوص به عضویت پذیرفتن این کشور تأثیر مثبت و قابل ملاحظه‌ای برجای گذارد. به‌ویژه آنکه اتحادیه اروپا حساسیت بالایی نسبت به تحولات این منطقه دارد. طبیعاً یک ترکیه فعال که برخوردار از مکانیسم‌های حل مناقشه باشد ارزش زیادی برای آرمان‌های اتحادیه اروپا دارد. این امر می‌تواند به تسهیل و تسریع روند پیوستن ترکیه به این اتحادیه کمک کند.

درواقع مقامات ترکیه از طریق دخالت در تحولات سیاسی منطقه قصد قبول این موضوع را به دولتمردان اروپایی دارند که پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا به معنای دستیابی به یک اهرم مناسب جهت تأثیرگذاری بر مسائل منطقه است. اظهارات «کاترین اشتون» نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور امنیتی و سیاست خارجی در مورد اینکه تحولات اخیر منطقه خاورمیانه اهمیت ترکیه را برای اتحادیه اروپا افزایش داده است انگیزه مقامات ترک جهت افزایش فعالیت‌هایشان در منطقه را بیشتر کرده است. این امر البته الزاماتی را نیز بر نحوه ورود ترکیه به تحولات خاورمیانه تحمیل کرده است.

از جمله اینکه تمایل به تسهیل مسیر عضویت در اتحادیه اروپا، آنکارا را ناگزیر از اتخاذ سیاست‌های همسو با غرب کرده است، موضع اولیه ترکیه در قبال لیبی (و مخالفت با اقدام نظامی علیه این کشور) نگرانی‌های فزاینده آمریکا و اتحادیه اروپا در مورد قابلیت و اعتبار ترکیه به عنوان یک متحد را افزایش داد.<sup>(۲۷)</sup> از این رو تغییر موضع فوری ترکیه در قبال لیبی و همراهی با اقدام نظام علیه این کشور می‌توانست تلاشی در جهت رفع این نگرانی‌ها باشد.

همچنین افرادی چون «افرا بنجو» کارشناس مرکز صهیونیستی «موشه‌دایان» علت همسویی ترکیه با سیاست‌های غرب در قبال تحولات سوریه و عدم حمایت اردوغان از بشار اسد در ناآرامی‌های داخلی این کشور را در چارچوب تلاش‌های ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا تفسیر کرده‌اند.<sup>(۲۸)</sup> از این رو یک هدف اساسی ترکیه از برخورد فعال با تحولات اخیر در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا، فراهم کردن زمینه تحقق آرزوی دیرینه ترک‌ها در خصوص الحاق به اتحادیه اروپاست.

## تحلیل و ارزیابی

درخصوص مواضع ترکیه در قبال تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا برخی نکات مهم بدین شرح قابل توجه است:

۱. نحوه موضعگیری مقامات ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا در بسیاری موارد از همسویی بالای این کشور با ملاحظات و محاسبات غرب در منطقه حکایت دارد. ترکیه علیرغم مخالفت‌های اولیه با اقدام نظامی در لیبی - که به دلیل ترس از به مخاطره افتادن منافع اقتصادی‌اش صورت می‌گرفت - سرانجام با شرکت در عملیات نظامی ناتو علیه لیبی در کنار غرب قرار گرفت و اکنون از ابزارهای مهم آمریکا برای تحقق اهداف خود در لیبی است. همراهی ترکیه با غرب در قبال تحولات خاورمیانه را همچنین می‌توان با استناد به سکوت دولتمردان این کشور در قبال تحولات بحرین مورد اشاره قرار داد. مخالفت‌های اولیه دولتمردان ترکیه با سرکوب شدید مردم بحرین توسط آل‌خلیفه و آل‌سعود قبل از آنکه به تقابل میان آنکارا با غرب بر سر بحران جاری در این کشور بینجامد به پایان رسید و عملاً به سکوت ترکیه در برابر تحولات بحرین منجر شد. این موضعگیری اصالت ادعاهای ترکیه در مورد حمایت از انقلاب‌های مردمی و حقوق بشر در خاورمیانه را زیر سؤال برد.

اما مهمترین نشانه همراهی ترکیه با غرب در جریان تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه به مواضع این کشور در قبال سوریه مربوط می‌شود. مواضع ترکیه در قبال سوریه کاملاً در راستای تضعیف نظام سیاسی این کشور و حمایت از مخالفان بشار اسد از طریق اقداماتی نظیر دعوت از آنها برای تشکیل جلسه در این کشور بوده است. انجام اصلاحات سیاسی گسترده از سوی دولت بشار اسد نیز مانع از تداوم مواضع منفی دولت اردوغان نسبت به سوریه نبوده است. البته دولت ترکیه موضوع کشته شدن مخالفان و غیرنظامیان در سوریه و برخی اقدامات خاص دولت بشار اسد نظیر ارسال ادوات نظامی نظیر تانک‌ها به شهرهای ناآرام را دلیل مخالفت با دولت اسد ذکر می‌کند. با این حال این مخالفت از آنجایی که با طرح کلی غرب برای ضربه زدن به یکی از مهمترین محورهای جبهه مقاومت در منطقه همسویی دارد با استقبال آمریکا و اسرائیل مواجه شده است. از آن گذشته اتفاقاتی نظیر حضور رئیس سازمان سیا در ترکیه و تبادل نظر میان وی با مقامات ترکیه درخصوص تحولات سوریه آشکارا از هماهنگی ترک‌ها با آمریکا درخصوص سوریه حکایت دارد. ضمن آنکه لحن و فحوای کلام داود اغلو درخصوص تحولات منطقه در جریان سفرش به تهران و مذاکره با مقامات ایرانی، به نحوی بود که گویی یکی از مقامات کشورهای غربی به بیان ملاحظات و مواضع خود در قبال این تحولات می‌پردازد.



نباید از نظر دور داشت که یک جنبه مهم و مشخص از سیاست غربی‌ها نسبت به تحولات اخیر در خاورمیانه جلوگیری از تغییر آرایش سیاسی منطقه به نفع جبهه مقاومت و به ضرر جبهه سازش است. به‌ویژه با سقوط رژیم حسنی مبارک نزدیک‌ترین متحد خاورمیانه‌ای اسرائیل و آمریکا، موضوع احتمال تضعیف جبهه سازش و تقویت جبهه مقاومت در خاورمیانه به یک ملاحظه اساسی غرب در قبال تحولات منطقه تبدیل شد. تلاش برای دخالت در سرنوشت انقلاب‌های منطقه از جمله تونس و مصر در چارچوب همین هدف به انجام رسید. به همین ترتیب حمایت از رژیم آل‌خلیفه در برابر معترضان بحرینی و دادن چراغ سبز برای حضور نیروهای عربستان در این کشور و در نهایت سکوت در برابر سرکوب گسترده معترضان بحرینی دقیقاً براساس نگرانی از تأثیر انقلاب بحرین بر تقویت جبهه مقاومت در منطقه به انجام می‌رسید. غرب نگران آن بود که با سقوط رژیم آل‌خلیفه و روی کار آمدن اکثریت شیعه در آن کشور، زمینه برای اتحاد بحرین با ایران فراهم شده و در نهایت نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌عنوان یکی از اضلاع مهم جبهه مقاومت تقویت شود. بر همین اساس حمایت کامل از رژیم آل‌خلیفه در دستور کار قرار گرفت و سیاست سکوت در قبال لشکرکشی عربستان به بحرین و سرکوب مردم این کشور در پیش گرفته شد.

پس از آن غربی‌ها در پی آن برآمدند تا از تحولات منطقه در راستای تضعیف جبهه مقاومت بهره‌برداری نمایند. دامن زدن به اعتراضات و ناآرامی‌ها در سوریه از طریق حمایت مستقیم از معترضان که نمونه آشکار آن حضور سفیر آمریکا در خیابان‌های سوریه و در کنار مخالفان بود، اعمال فشار به دولت بشار اسد از جمله از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و نیز تنگ‌تر کردن حلقه فشار به دولت سوریه از جمله با تحرکاتی نظیر ارجاع پرونده هسته‌ای این کشور به شورای امنیت سازمان ملل همگی در چارچوب تضعیف دولت سوریه به‌عنوان یکی از محورهای مهم جبهه مقاومت صورت گرفت. در این میان دولت ترکیه نیز با موضعگیری بر ضد دولت بشار اسد و با اقداماتی نظیر میزبانی اجلاس مخالفان سوری در خاک خود عملاً در کنار غربی‌ها برای ضربه زدن به جبهه مقاومت قرار گرفته و به یکی از اهرم‌های مهم غرب برای تحقق اهداف منطقه‌ای خود در خاورمیانه تبدیل شده است. این همراهی تا آنجا ادامه یافته که «کمال قلیچ دار اوغلو» رهبر حزب جمهوریخواه خلق ترکیه با انتقاد از سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت ترکیه اردوغان را مجری سیاست‌های قدرت‌های سلطه‌گر غربی در خاورمیانه دانسته و افزوده است غربی‌ها هرچه بگویند اردوغان اطاعت و اجرا می‌کند. ضمن آنکه نحوه موضعگیری دولت اردوغان در قبال سوریه نگرانی اسرائیل و آمریکا را از پیوستن احتمالی ترکیه به جبهه مقاومت که در چند سال اخیر و تحت تأثیر تحولاتی نظیر نوع واکنش آنکارا نسبت به جنگ ۲۲ روزه در غزه و یا مسائل مربوط به کشتی آزادی تشدید شده بود را از بین برده است.

۲. نحوه موضعگیری ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه به‌ویژه در قبال ناآرامی‌های سوریه در تضاد با سیاست اعلامی این کشور مبنی بر «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» است. مطابق با این سیاست، ترکیه برای حل مشکلات با همسایگان و بهبود روابط با آنها تلاش خواهد کرد. این درحالی است که مواضع ترکیه نسبت به تحولات سوریه نه تنها فرایند احیای روابط دو کشور بلکه ثبات کل منطقه را با تهدید روبرو کرده است.<sup>(۲۹)</sup>

لازم به ذکر است که ترکیه در سال‌های اخیر در چارچوب سیاست مذکور، به سرعت روابط مناقشه‌آمیز خود با سوریه را بهبود بخشیده بود. بازتاب این سیاست در ایجاد یک شورای همکاری استراتژیک در سطح عالی با این کشور، لغو روادید و طرح‌های بررسی توسعه یک منطقه اقتصادی مشترک بود. این عصر جدید از روابط منجر به گسترش تبادل کالا میان سوریه و ترکیه و افزایش رفت‌وآمد اتباع آنها در مرز دو کشور شد.<sup>(۳۰)</sup>

با این حال نحوه موضعگیری ترکیه در قبال ناآرامی‌های سیاسی در سوریه به معکوس شدن روند روابط رو به پیشرفت سال‌های اخیر دو طرف منجر شده است. کسانی همچون «سمیح آدین» کارشناس مسائل سیاست خارجی در روزنامه ملیت معتقدند که در نتیجه سیاست‌های دولت اردوغان نسبت به ناآرامی‌های سوریه کل سیاست بهبود روابط با دمشق دچار فروپاشی شده است.<sup>(۳۱)</sup>

نکته دیگر اینکه نحوه موضعگیری ترکیه در قبال سوریه نه تنها به روابط این کشور با سوریه آسیب وارد کرده است بلکه رنجش همسایه مهم دیگر این کشور یعنی جمهوری اسلامی ایران را نیز به دنبال داشته است. جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد تا حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه که به گرایش‌های اسلامی اشتها دارد در تنظیم سیاست‌های خود نسبت به تحولات منطقه به‌ویژه وقایع سوریه منافع جهان اسلام را مد نظر قرار داده و از اتخاذ سیاست‌هایی که خوشایند اسرائیل و در چارچوب ملاحظات کلان آمریکاست احتراز ورزد. از این رو مواضع ترکیه نسبت به سوریه از سوی برخی کارشناسان چالش بالقوه در روابط آنکارا و تهران معرفی شده است. برخی کارشناسان اعتقاد دارند که در صورتی که ترکیه سیاست‌هایش در قبال وقایع سوریه را تعدیل نکند ممکن است شاهد ظهور دوره‌ای سرد از روابط میان تهران و آنکارا باشیم.<sup>(۳۲)</sup>

با توجه به این واقعیات و تأثیر سیاست‌های ترکیه بر روابط این کشور با برخی همسایگانش شماری از کارشناسان معتقدند که موضعگیری آنکارا نسبت به تحولات منطقه شانس موفقیت سیاست «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» را به صفر رسانده است.<sup>(۳۳)</sup>

۳. همچنان که اشاره شد تلاش برای توسعه و نفوذ خاورمیانه یکی از اهداف اصلی ورود فعال ترکیه به عرصه تحولات سیاسی اخیر در منطقه بوده است. برای دستیابی به این هدف، ترکیه



از جمله ابزارها و راهبردهای مختلفی استفاده می‌کند که برقراری ارتباط با جنبش اخوان المسلمین از جمله آنهاست. ریشه‌های اسلامی حزب عدالت و توسعه از گذشته زمینه‌های تماس آن با جنبش اخوان المسلمین را فراهم ساخته بود. براساس برخی اظهارنظرها، از سال ۲۰۰۶ ترکیه به محوری جدید برای جنبش جهانی اخوان المسلمین تبدیل شده است.<sup>(۳۴)</sup> به‌ویژه مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال اسرائیل با استقبال جنبش اخوان المسلمین در کشورهای مختلف عربی مواجه شده بود. به‌عنوان مثال در اوایل سال ۲۰۰۹ گروه اخوان المسلمین اردن با ستایش از موضع دولت و ملت ترکیه در قبال مسئله فلسطین و اسرائیل از کشورهای عربی خواسته بود که از ترکیه درس بگیرند. این اتفاقات نزدیکی بیشتر اخوان المسلمین به ترکیه را در پی داشت.

اکنون ترکیه درصدد آن است تا از روابط خود با اخوان المسلمین برای تأثیرگذاری بیشتر بر تحولات منطقه استفاده کند. در این میان، الگوی ترکیه که هیئت حاکمه آن از چهره‌های نزدیک به اخوان المسلمین محسوب می‌شوند نیز پیش روی اخوانی‌ها قرار دارد. غرب به‌ویژه ایالات متحده تمایل بسیار دارد که ترکیه بر این جریان اثر گذاشته و گرایش‌های اخوانی‌ها را کنترل کند. ترکیه بی‌میل نیست به اخوانی‌ها نزدیک شود و بر آنها اثر بگذارد. سفر مقامات ترک به قاهره و دیدارشان با مقامات اخوان المسلمین و سفر مکرر مقامات اخوان المسلمین به آنکارا دلیلی بر این ادعاست. در مورد سوریه نیز ترکیه، اخوان المسلمین این کشور را به‌عنوان یک هم‌پیمان محوری خود و جایگزین نظام سیاسی کنونی سوریه قرار داده است. به‌ویژه آنکه اخوان المسلمین سوریه نسبت به دیگر مخالفان سوریه از سازماندهی بیشتری برخوردار است. در این میان آمریکا نیز که نسبت به قوت گرفتن اسلامگرایان در کشورهایی که شاهد خیزش مردمی بوده‌اند نگران است، از نزدیکی ترکیه به جنبش اخوان المسلمین حمایت می‌کند تا بدین ترتیب امکان کنترل بیشتری روی آنها داشته باشد.

۴. ترکیه درحالی مایل است تا نظام سیاسی خود را به‌عنوان الگویی موفق در اختیار کشورهای منطقه قرار دهد که برای رسیدن به این هدف چالش‌های مهمی پیش رو دارد. به اعتقاد برخی کارشناسان، مدل ترکیه ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد که برای جنبش‌ها و انقلابیون خاورمیانه قابل کاربرد نیست. «هاگ پاپ»<sup>۱</sup> کارشناس و پژوهشگر مسائل ترکیه در گروه بین‌المللی بحران<sup>۲</sup> در این زمینه استدلال می‌کند که درواقع مدل ترکیه متناسب هیچ بلوک منطقه‌ای یا ایدئولوژیکی نیست. دولت اردوغان شاخه‌های اسلامگرایی دارد اما به هیچ‌وجه دولتی اسلامگرا نیست. درواقع موفقیت کلیدی ترکیه ایجاد توازن سریع میان اقتدارگرایی<sup>۳</sup>، نظامی‌گری<sup>۴</sup>، استاتیسیم<sup>۵</sup>

---

1. Hugh Pope  
2. International Crisis Group  
3. Authoritarianism  
4. Militarism  
5. Statism

(تمرکز قدرت اقتصادی در دولت مرکزی) بنیادگرایی مذهبی<sup>۱</sup> و ملی‌گرایی<sup>۲</sup> است. همه اینها محرکه‌هایی هستند که ترکیه در طول دهه‌های متوالی از آنها آسیب‌دیده است.<sup>(۳۵)</sup> در همین ارتباط «ب. دوران» و «ن. ییلماز» استدلال می‌کنند که به علت فرهنگ سیاسی خاص ترکیه، این کشور نمی‌تواند مدلی برای جنبش‌های اسلامی منطقه باشد. دائرةالمعارف سیاسی ترکیه فاقد مفاهیمی نظیر «شورا» و «شریعت» برای پیشبرد دستور کار سیاسی اسلامی که از سوی گروه‌هایی چون اخوان‌المسلمین ترویج می‌شود می‌باشد.<sup>(۳۶)</sup>

منطقه خاورمیانه به دلیل فرهنگ سیاسی و زمینه اجتماعی متفاوت نمی‌تواند به آسانی مدل ترکیه را برای خود کپی کند. به اعتقاد «هنری. جی بارکی»<sup>۳</sup> نوع اسلامی که در ترکیه وجود دارد از اسلامی که در کشورهای خاورمیانه به چشم می‌خورد متفاوت است.<sup>(۳۷)</sup>

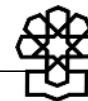
از آن گذشته ترکیه برای تبدیل شدن به یک الگوی موفق نظام سیاسی هنوز راه درازی در پیش دارد، این کشور برای کاهش دخالت نظامیان در سیاست و نیز حل مشکل دولت مرکزی با کردها نیازمند اصلاح قانون اساسی و حل کردن پروسه بلندمدت گذار به یک کشور دموکراتیک است. تا زمان رسیدن به چنین مرحله‌ای امکان تبدیل شدن به یک کشور الگو برای سایر کشورها امری دشوار خواهد بود.

در کنار واقعیات فوق باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که آرزوی ترکیه برای تبدیل شدن به الگویی برای ملت‌های مسلمان در تعارض با سیاست غربگرایانه این کشور در قبال تحولات منطقه خصوصاً سوریه است. طبعاً تا زمانی که آنکارا در مسیر منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه حرکت کند نمی‌تواند الگویی برای کشورهای انقلابی خاورمیانه و شمال آفریقا باشد.

۵. همچنان‌که اشاره شد از اهداف مهم دولت ترکیه برای نقش‌آفرینی فعال در تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا، تسهیل روند الحاق این کشور به اتحادیه اروپاست. ترکیه سعی دارد تا از یکسو خود را به عنوان بازیگری مهم در این تحولات به نمایش بگذارد و از سوی دیگر از طریق همراهی با ملاحظات و سیاست‌های غرب در قبال این تحولات طرف اروپایی را مجاب به پذیرش اهمیت و اعتبار ترکیه در منطقه کرده و از این طریق عضویت خود در اتحادیه اروپا را تسریع کند. با این حال نباید از نظر دور داشت که ناآرامی‌های اخیر در منطقه در عین حال می‌تواند مسیر پیوستن ترکیه به این اتحادیه را دشوارتر از قبل سازد. تا پیش از این، مخالفان پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا یک پایه مهم استدلالشان این بود که عضویت این کشور، مرزهای اتحادیه اروپا را تا

---

1. Religious Fundamentalism  
2. Nationalism  
3. Henri.J. Barkey



مناطق ناآرام و بی‌ثبات خاورمیانه گسترش خواهد داد و آسیب‌پذیری این اتحادیه را بیشتر خواهد کرد. آنها با توجه به بی‌ثباتی فزاینده عراق در ده سال اخیر عمدتاً به همسایگی ترکیه با این کشور اشاره کرده و تصور همسایگی اتحادیه اروپا (از طریق الحاق ترکیه) با کشور ناآرام و بی‌ثباتی چون عراق را فاجعه‌بار می‌دانستند.

درحالی که اوضاع امنیتی عراق هنوز دچار بی‌ثباتی است، تداوم ناآرامی‌ها در سوریه به‌عنوان یکی دیگر از همسایگان ترکیه سبب شده است تا مخالفان عضویت ترکیه با صلابت بیشتری استدلال خود مبنی بر ناآرام شدن مرزهای اتحادیه اروپا در صورت پیوستن ترکیه را مطرح کنند. از این رو دولتمردان ترکیه نیازمند درک این مهم هستند که هرگونه تلاش برای تضعیف حکومت بشار اسد و در نتیجه گسترش ناآرامی در سوریه می‌تواند موقعیت مخالفان پیوستن آنکارا به اتحادیه اروپا را تقویت کند.

از سوی دیگر مقامات ترکیه باید نسبت به این واقعیت آگاه باشند که اگر همراهی با غرب و فعالیت بر ضد جبهه مقاومت می‌توانست تضمینی برای تسهیل عضویت این کشور در اتحادیه اروپا باشد، این عضویت باید سال‌ها قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، زمانی که زمامداران لائیک، ترکیه را به متحد نزدیک غرب و به‌ویژه اسرائیل تبدیل کرده بودند اتفاق می‌افتاد. از این رو تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و همراهی ترکیه با غرب در قبال این تحولات الزاماً نمی‌تواند به تسهیل مسیر عضویت این کشور در اتحادیه اروپا بیانجامد.

### نتیجه‌گیری

تحولات سیاسی بی‌سابقه در خاورمیانه و شمال آفریقا نقطه عطفی برای سیاست خارجی نوین ترکیه به حساب می‌آید. اگر این تحولات در دوره زمامداری کمالیست‌ها و لائیک‌ها به وقوع پیوسته بود احتمال داشت که تحت تأثیر کم‌اعتباری تحولات خاورمیانه در سیاست خارجی آن زمان ترکیه، پیامدهای کمتری متوجه این کشور باشد. اما اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه سطح درگیری و ارتباط آنکارا با این تحولات را به‌طور روزافزونی افزایش داد. مقامات ترکیه تحولات اخیر منطقه را به‌مثابه فرصتی برای تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی خود و نیز تأمین برخی اهداف راهبردی در سیاست خارجی دانسته و بر همین اساس برخورد فعالی را با این تحولات تدارک دیده‌اند. با این حال برخی مواضع این کشور در قبال تحولات منطقه ممکن است چالش‌ها و تبعات منفی به مراتب بالاتری از منافع و مزایا را برای این کشور به همراه داشته باشد. از جمله در صورت ابقای برخی رژیم‌هایی که ترکیه مواضع منفی را در مورد آنها اتخاذ کرده و در

صورت شکست مخالفان در این کشورها، آینده تاریکی در انتظار روابط دوجانبه آنکارا با هریک از آنها خواهد بود و این مسئله علاوه بر عواقب سیاسی، لطمات مهمی را به منافع اقتصادی ترکیه در منطقه وارد خواهد ساخت.

از سوی دیگر همراهی ترکیه با غرب در حالی به انجام می‌رسد که تحولات سیاسی جاری در منطقه حاکی از آن است که آینده این تحولات به نفع اسلامگرایی یا حداقل استقلال از غرب در حال رقم خوردن است و از این رو هرکشوری که سیاست خود در قبال تحولات اخیر خاورمیانه را براساس همراهی با غرب و نقش‌آفرینی در بازی آن تنظیم کرده باشد آینده خود در منطقه را با مخاطره روبرو خواهد کرد.

از آن گذشته، هم‌راستایی سیاست‌های ترکیه در قبال تحولات سوریه با سیاست‌های عربستان سعودی که به پایگاه و پناهگاهی برای دیکتاتورهای فراری منطقه تبدیل شده است نیز می‌تواند وجهت سیاسی دولت اردوغان در منطقه را مخدوش ساخته و در بلندمدت تبعات مخربی را برای جایگاه خاورمیانه‌ای ترکیه به همراه آورد.

در عین حال نحوه برخورد ترکیه با تحولات سوریه ناامیدی فزاینده مردم منطقه که در سال‌های اخیر نسبت به نزدیکی آنکارا به جبهه مقاومت خوشبین شده بودند را به دنبال داشته است. مواضع ترکیه نسبت به سوریه از چرخش اساسی سیاست خارجی این کشور به نفع اسرائیل و آمریکا و به ضرر رویکرد مقاومت حکایت دارد. از این رو تحولات اخیر منطقه نقطه بازگشتی به سیاست‌های غرب‌گرایانه و اسرائیل‌گرایانه ترکیه محسوب می‌شود. تداوم رویکرد جاری نسبت به سوریه، در نهایت می‌تواند محرکی برای ترمیم روابط آنکارا با اسرائیل در بلندمدت باشد. این مسئله تضعیف موقعیت ترکیه و نیز کاهش اعتبار آن در جهان اسلام را به دنبال خواهد داشت. ضمن اینکه حرکت ترکیه در راستای منافع آمریکا و اسرائیل و نادیده گرفتن منافع جهان اسلام توسط این کشور نگرش عمومی مردم خاورمیانه نسبت به نظام سیاسی ترکیه را منفی ساخته و امکان تبدیل آن به الگویی برای ملت‌های منطقه را از بین خواهد برد.



1. Fevzi Bilgin, "Turkey's Role in Post – Revolutionary Middle East", Washington Review, February 2011.
2. Stephen Larrabee, "Turkey Rediscover the Middle east", Foreign Affairs, Vol. 86, No. 4, July – August 2007, P. 13.
3. Omer Taspinar, "Turkey's middle east policies, Between Neo – Ottomanism and Kemalism", Carnegie Endowment, September 2008, PP.1-2.
4. Omer taspinar, "Neo – Ottomanism and Kemalist Foreign policy", Today's Zaman, 22 September, 2008.
5. Taspinar, "Turkey's middle east Policies, Between Neo – Ottomanism and Kemalism", Op.cit, P.14.
6. Steven A.Cook, "The Evolving Turkish role in mideast Peace diplomacy", Council on Foreign relations, 7 April, 2009.
7. Oleg Svet, "Turkey's zero problem foreign policy: An untenable balancing act", New Initiative for middle east peace journal, Volume II, Spring 2006, P.71.
8. "Revolutions and the Position of Turkey", Diplomatic Observer, 2/4/2011.
9. Ercan Ravuz, "Turkey says Tunisia revolt could be model for others", Today Zaman, 22 February, 2011.
10. **Ibid.**
11. "Tunisia's revolution is an Important event for Tunisia and the whole world", www.allafrica.com, 22 February, 2011.
12. "Interview transcript: Rachid Ghannouchi", Financial Times, 2 August, 2011.
13. Saban Kardas, "Syrian Uprising tests Turkey's middle east Policy", The Jamestown Foundation, Website, 10 may, 2011.
14. Pelin Turgut, "A Model of middle east democracy, Turkey calls for change in Egypt", Time, February, 2011.
15. Ayse Karabat, "Turkey – Egypt Ties to deepen if Mubarak Leaves power", Sunday's Zaman, 6 February, 2011.
16. Mustafa Akyol, "Turkey's maturing foreign policy", foreign Affairs, 7 July, 2011.
17. Kardas, Op.cit.
18. "libyan opposition thanks turkey for its Support", Todays Zaman, 23 May, 2011.
19. Fulya Ozerkan, "Davutoglu delights libyans in Bnghazi's Tahrir Square", Hurriyet, 6/8/2011.
20. **Ibid.**
21. "Turkey Urges syria to heed advice and stop violence", Hurriyet, August 5, 2011.
22. Ismail Duman, "Future of Syria and Turkey's difficult test with it", World Bulletin, 21 April, 2011.
23. Josha Walker, "Return of the turks as middle east kingmaker, Foreign Policy, 3 February, 2011.
24. "Turkey Looks for Central role in arab Spring", Hurriyet, June 17, 2011.
25. Akyol, Op.cit.
26. George Protopapas, "Turkey's geopolitical Interests and middle east revolts", International Affairs, 20/7/2011.
27. Clive Leviev – Sawyer, "Turkey's Libya Power Play", Sofia Echo. April 22, 2011.
28. Duman, Op.cit.
29. Turgut, Op.cit.
30. Kardas, Op.cit.
31. Ibon Villelabeitia and Tulay Karadeniz, "Syria challenges Turkey's Neighborly Policies", Reuters, 6/12/2011.

32. Kaveh Afrasiabi, "Iran Draws the Line With Turkey on Syria", Asia Times, 26 July, 2011.
33. Ivan Krastev, "Arab Revolutions, Turkey's Dilemmas: Zero Chance for Zero Problems", Open Democracy, 24 March, 2011.
34. Salah Bayaziddi, "Turkey and Political Upheaval in the Middle East", Kurdish Global, 13 February, 2011.
35. Hugh Pope, "The Turkish Model and the Middle East", International Crisis Group, 13 May, 2011.
36. B. Duran and N Yilmaz, "Whose Model? Which Turkey?" Foreign Policy, 8 February, 2011.
37. Henri J. Barkey, "Turkey and Arab spring," Carnegie Endowment for International Peace, 26 April, 2011.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۱۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه؛ غلبه غربگرایی بر اسلامگرایی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی امیری

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. ترکیه

۲. خاورمیانه

۳. سوریه

۴. مصر

۵. لیبی

۶. تونس

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۱۳